ارکف ملک کفا بمعنی باز استادن همانا صنوتشنه ما هی است
از همی بمعنی مسلان کردن و سخن باز شنیدن و بضم قبول با کردن
استفاف بمعنی بهوش دور شدن است حکه را واداوری بهوش
امدن باهم صیغه مضارع است از هم بمعنی اشفته شدن و حیران
شدن المعنی جست مرد و چشم ترا ای شرف الدین اگر تو نمی
از اسیند لذ سیلان می کند و سخن نمی شنود بصحت قبول
نمیکند و اسناد سیلان بر چشم از قبیل اسناد جریان است
بر نهر همچون نهر جار و از امجاز عقلی کویند و جست مر دل را
را اگر تو بی بهوش آی حیران نمی شوی و اشفته میگردد دلت شعر اولا
هر مقام الکار عشق مجازی کرفت و ثانیا از برای الزام خوش امد
اورد و گفت ای شرف الدین اگر ترا عشق محبوبی نیست جا گریه
وگمند محبت او از بهای هر جا ورده چشم تو بدین حال چرا بودی
و دل تو بدین منوال چرا بودی و تواند بود که گریان شدی
چشم از شعف شدن این نصیحت بود و حیران ماندن دل از
دشواری تحمل این محافظت مجست الهی چون تقسیم تامه است

جیران شد و اشفته کردید

شو امد

الحه

انچه بود اول از ان افزون کریست یا دلت العوز لموم هو شد ابر
برکشت از سینه اهی جون شراب کر نه شور عشق شوخی مر دلت از چه
روزین کونه کارت مشکلست م الحب الصبان حجت منکتم ما بین
منسجمه ومضطرم ٣ الحب بماند شتن از باب علم یعلم با از
در نشدن برت لطریق است و ذا الصبا عاشق مشوق صبابه است
بمعنی سخت عاشق شدن الحجت ای منکتم پوشیده شونده انفعال
از کتم بمعنی پوشیدن و منسجم ریزنده است و مضطرم مشتق از ضرام
یضطرم اضطرام افتعالست از ضرام و ضرام افروزیند آتش بود
ب مصطرم افروزنده را کویند و منسجم و مضطرم اسم فاعل اند موصوف
ایشان محذوف است یعنی دمع منسجم و قلب مضطرم و منه متعلق است
بمنسجمه واو نیز در موضع صفت است بمعنی معلوم المعنی
ایا کمان میبرد عاشق این محبت و دوستی پنهان میماند در
میان دمع ریزنده و نائب است از ان عاشق و قلب افروزنده
بیت ای نمو بنداری که عشق عاشقان پنهان شود باد چو آتش در اتش ز
ابحشیم چو کند مهر جدا از وطن می شود پیدا میان مردکان عشق

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)